

بررسی موقعیت اقتصادی، زنان اقوام شمال خراسان در دوره پهلوی اول

ام البنین رحیمی

دانشجوی دوره دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

دکتر امیر اکبری (نویسنده مسئول)

استاد یارگروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

amirakbari84@yahoo.com

دکتر امید سپهری راد

دان استاد یار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. تلفن

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۹ شماره ۷۲- صفحه ۶۱-۴۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

چکیده:

نقش اشتغال زنان در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود و در جهت این پویایی، بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی سعی بر آن است تا به بررسی جایگاه اقتصادی زنان، نزد اقوام شمال خراسان در دوره پهلوی اول پرداخته شود. در این راستا جهت پرداختن به این سوال که موقعیت اقتصادی زنان در دوره پهلوی اول در خطه شمال خراسان تا چه اندازه مهم بوده است؟ می‌توان این فرضیه را بدین گونه پاسخ داد که ساختار زندگی روستایی و عشایری، عدم وجود امنیت در منطقه شمال خراسان، هجوم ترکمن‌ها، از عوامل مهمی است که در این منطقه باعث فعالیت مدام زنان در عرصه اقتصادی می‌گردد. در بررسی‌های صورت گرفته در این تحقیق به این نتیجه دست یافتیم که در دوره پهلوی اول، اکثریت جمعیت ساکن در این خطه در قالب ایلیاتی و روستایی به گذران زندگی می‌پرداختند، شغل اکثر افراد کشاورزی و دامداری بوده است در این میان زنان نقش بسزایی در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کرده‌اند و در بیشتر زمینه‌های اقتصادی پا به پای مردان به کار مشغول بوده‌اند. دلیل دیگر حضور زنان در عرصه اقتصادی این بود که نیروی مردان در جهت حراست و حفاظت از قوم، قبیله و منطقه مورد استفاده قرار می‌گرفت و لاجرم تمام مسئولیت‌های مربوط به تهیه خوراک، پوشاک و مایحتاج اولیه بر دوش زن استوار بود. علیرغم موارد فوق عصر پهلوی اول به جهت ساختار و رشد اجتماعی، نقش و موقعیت اقتصادی زنان بیشتر از غالب سنتی خود در اقشار خارج شده و تحول جدیدی را از جهت جایگاه اقتصادی می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، زنان، اقوام شمال خراسان، پهلوی اول

مقدمه:

با شروع فرایند نوسازی در ایران عصر پهلوی، به تدریج شاهد افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در جامعه هستیم. به موازات این افزایش مشارکت زنان به عنوان بخش عمده ای از جامعه و همچنین آن دسته از طبقات اجتماعی متأثر و ملهم از افکار نو که قائل به تداوم نقش سنتی زنان نبودند، خواستار کسب جایگاه‌های اجتماعی بالاتر و ایفای نقش گسترده‌تر زنان شدند. این در حالی بود که جریان غالب بر نهاد روحانیت در مقابل این مطالبه و تقاضای اجتماعی مقاومت می‌کرد و بر لزوم وفاداری به سنت تأکید داشت.

مدرن سازی نظام قضایی و ترفیع نسبی موقعیت زنان بر اساس الگوهای ظاهری نظام غربی که حاصل برداشت سطحی دولتمردان وقت پهلوی از مدرنیسم جوامع توسعه یافته بود، نه فقط موجب تغییرات سازنده‌ای در حوزه های مذکور نشد، بلکه مثلاً در حوزه زنان با بی توجهی به حقوق سیاسی و مدنی ایشان و سوق دادن مشکلات ایشان به سوی جریانات انحرافی مانند نداشتن حجاب و سرکوب زنان سنتی برای اعمال کردن این قانون، موجب دودستگی طیف وسیعی از زنان جامعه و تضعیف موقعیت گروه غالبی از ایشان، که دارای تفکرات مذهبی بودند گردید.

هنگامی که صحبت از حقوق زنان در دوران پهلوی می‌شود به موقعیت اجتماعی و سیاسی زنان آن‌هم در داخل شهرها اشاره می‌کند و به بررسی موقعیت اقتصادی زنان ترک کرمانج (کرد) تات که در روستاها مشغول به فعالیت بودند پرداخته نمی‌شود و این موضوع در هاله‌ای از سکوت باقی مانده است. در واقع زنان طبقات پایین اجتماعی (متمايز از زنان فرهیخته)، به ندرت سخن می‌گفتند و در تاریخ پنهان مانده‌اند. طبق مطالعات به دست آمده از منابع و قوم‌نگاری‌هایی که در برخی از آثار ادبی به آن‌ها اشاره شده است، زنان طبقه عامه معمولاً در محیط‌های تولیدی و بازآفرینی و حوزه‌های کلیدی چون تولید فرش، تولید مواد غذایی، خدمات و تمام کارهای خانگی گرفتار و مشغول بوده‌اند. همان‌طور که مردم شناسان، مورخان و جامعه شناسان طرفدار حقوق زنان بیان کرده‌اند، اقتصاد دوران پیش از صنعتی شدن، بر مشاغل خانگی استوار بود و هر یک از افراد خانواده برای انجام برخی کارها توقع می‌رفت (ریتز، ۱۹۷۵) کار و کسب خانگی برای امرار معاش و گذران زندگی بود و امکانات مازاد به ملاکین تعلق می‌گرفت. همه خانواده‌ها نه تنها بخش مهمی از جامعه اجتماعی

دوران پیش از صنعتی بودند بلکه مردسالار نیز بودند. طبق نظریه وبر، مردسالاری در جوامع سنتی عامه یک سیستم قدرتی محسوب می‌شد و معمولاً هرگروهی که بر طبق اصول اقتصادی و چه براساس روابط خویشاوندی تشکیل می‌شد، تحت سلطه افراد خاصی که نقش آن‌ها در توارث مشخص بود قرار می‌گرفتند (وبر، ۱۹۶۴: ص ۳۶۴).

همان‌طور که برادلی (۱۹۹۶: ص ۱۲) اشاره کرده است؛ از نظر وبر، مردسالاری رابطه نزدیکی با نظام ارباب‌رعیتی داشت، طبق این نظام ارباب و رعیت‌هایی که مرد بودند در رأس قرار داشتند. از نظر طرفداران حقوق زن، مردسالاری به معنای قدرت مرد در خانه و خانواده در فرهنگ اجتماعی است.

بحث:

مدرن سازی، صنعتی شدن و طبقه کارگر: دوره رضاشاه

در سال ۱۹۰۰ طیف گسترده‌ای از مردم روستایی چوپان یا کشاورز بودند. هالیدی (۱۹۷۹) نوشته است که طبقات مسلط بر جامعه را رؤسای قبایل، زمین‌داران، تاجران یا سرمایه‌داران تشکیل می‌دادند که در قالب بخش دستگاه‌های اداری تا سال ۱۹۴۰ به آهستگی تغییر کرد.

باریر یک نمودار اقتصادی از جمعیت مردان ارائه داده که در مورد جمعیت زنان هیچ مطلبی در آن بیان نشده. او آورده است که در سال ۱۹۴۶ بیش از ۷۵٪ جمعیت فعال در بخش اقتصاد در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند، نمودار ارائه شده نشان‌دهنده وجود ۵/۲ میلیون خانواده کشاورز می‌باشد. (بایر، ۱۹۷۷: ص ۳۴) این موضوع به روشنی نشان می‌دهد که کشاورزی و صنایع خانگی از لحاظ اقتصادی مهم بودند و به زنان بابت کار کشاورزی و چوپانی و فعالیت‌های شبانی حقوقی پرداخت نمی‌شد. (پویا ۱۹۹۹: ص ۳۶-۳۷). به ذکر این مضمون می‌پردازد که ۴۰٪ درآمد حاصل از بخش کشاورزی، ۱۰٪ از صنعت نفت، ۲۰٪ از دیگر صنایع و بقیه از منابع دیگر حاصل می‌شد. در مناطق شهری و روستایی و بخش‌های خصوصی سازمان‌ها دستمزد و شرایط کار بسیار بد بود

کارخانه‌داران اغلب به کارگران توهین می‌کردند، حقوق آنان را نمی‌دادند و یا آنان را به محض مشاهده نقض قانون تنبیه بدنی می‌کردند.

به‌رغم صنعتی شدن در دوره رضا شاه، فعالیت مهم در اقتصاد ایران تا سال ۱۹۵۰ کشاورزی بود، که زنان در تولید خوراک و کالاهای متمرکز کارگران در بخش صنایع خانگی نقش مهمی ایفا می‌کردند. صنایع نساجی و فرش همچنان کارگران زن را در کار گاه‌های شهری و روستایی جذب می‌کردند. در مناطق شهری، گروهی از زنان به استخدام شخصی و خصوصی، به عنوان خدمتکار خانگی، حمامدار، بندانداز، لباس شو، فالگیر و البته روسپی در می‌آمدند و این روند در بین زنان ترک، کرمانج و تات در دوران پهلوی نیز مصداق داشت.

در پایان مرحله دوم صنعتی شدن در ایران، طبق سرشماری، در سال ۱۹۵۶، ۵۷۳۰۰۰ زن جزو جمعیت فعال در بخش اقتصادی بودند. همچنین نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و بکارگیری کودکان، مخصوصاً دختران جوان به‌عنوان کارگر مرسوم بود. آمار رسمی نشان می‌دهد که زنان زیادی در بخش صنعت روستایی که عمدتاً در مناطق روستایی متمرکز بودند مشغول به کار در این بخش بودند (میرانی، ۱۹۸۳: ص ۷۸).

اکثر زنان در کارخانجات بافت فرش، نساجی نخ‌ریسی، کبریت و شیشه و جعبه‌های مقوایی، چای، پاک‌سازی کتان، کیسه‌گونی و در صنایع گلدوزی استخدام می‌شدند. در بخش خدمات از جمله در امر نظافت و تهیه غذا، در پایین‌ترین رده قرار داشتند؛ که در زمره گروه‌های کارگران ساده و کم درآمد محسوب می‌شدند، که پایین‌تر از مردان حقوق دریافت می‌کردند.

طبق آمار رسمی فعالیت زنان روستایی درآمد بسیار ناچیزی داشت؛ اما استخدام زنان بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ در تهران رو به کاهش نهاد، شاید علت افزایش حقوق و مهاجرت روستائینان به در سال ۱۹۶۰ به ۱۱٪ در سال ۱۹۷۱ افزایش یافت. شهر همین باشد. پس از آن استخدام زنان از ۹٪ هالیدی می‌نویسد: انتظار می‌رود آمار استخدام زنان شهری تا اوایل سال ۱۹۹۰ به ۲۵٪ افزایش یابد (هالیدی، ۱۹۷۹: ص ۱۹۲).

باید به این نکته اشاره نمود که درصد آمار به دست آمده متعلق به اواخر سال ۱۹۹۰ در جمهوری اسلامی است. در اوایل سال ۱۹۷۰، ۱۳٪ زنان بالای ۱۲ سال، (۱.۴، میلیون نفر) استخدام شده بودند و بیشتر آنان در مناطق روستایی زندگی می کردند. در کل ۷۰٪ فعالیت لباس بافی و ۷۲٪ قالی بافی در بخش روستایی انجام می شد، که بیشتر آن را زنان و دختران انجام می دادند. (هالیدی، ۱۹۷۹:ص ۱۹۱).

زنان روستایی: استثمار و بیزاری

زنان روستایی به میزان چشمگیری در کارهای تولیدی شرکت داشتند. همان طور که قبلاً اشاره شد، دلریش در مورد کار زنان روستایی در دوره قاجار بحث نموده بود. تحقیقات اریکا فریدل، لویس بک، هاله افشار و مریم پویا در مورد زنان روستایی کارگر در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی، نشان دهنده جداسازی زنان و بی اعتنایی به آنان (بیزاری)، ناتوانی آنان در کنترل درآمدشان از تولیدات (استثمار) و مقام و شأن اجتماعی آنان (وابستگی) است.

مقررات سخت جداسازی کارگران رواج داشت که باعث می شد مردان در کار جسورتر شوند و تعداد زنان کارگر کاهش یابد. علاوه بر این همان طور که زنان تصمیم گیری برای کنترل و استقلال بر روی تولیدات خود را رد کردند، می توانستند فعالیت های خود را چه عمومی چه خانگی به منبع قدرت تبدیل کنند؛ مثلاً تپر، جداسازی جنسیتی توسط مردان و اطاعت توسط زنان را شرح داده است (تپر، ۱۹۷۸: ۷۷-۳۷۹). فرایدل مفهوم استقلال زنان روستایی را چنین توصیف می کند: برخلاف برخی تصورات عاطفی، به نظر می رسد آزادی نسبی زنان روستایی (داشتن حجاب غیررسمی، کار در بیرون خانه و جابجایی مکانی) عملاً در هر مکتبی موجب اطمینان نبود، اما این یک عملکرد اقتصادی کلی و ضروری و آزادی متزلزل بود (فرایدل، ۱۹۷۹:۱۹۹۱).

فرایدل ۴ سیستم کار در روستا را مشخص نمود و بیشتر از یک دهه به بررسی آنان پرداخت و شاخص های عملیاتی که آنان به زنان پیشنهاد داده بودند را این گونه تعریف نمود: ۱- سیستم جمع آوری شکار ۲- سیستم دامداری ۳- سیستم کشاورزی

۴- سیستم اقتصادی پیشرفته. پیش از انقلاب و کمی بعد از آن تا حدود سال ۱۹۷۰، سه گروه اول به طور کامل و هم زمان در روستا مشغول به کار بودند، اما هنگامی که طبقه کارگری در داخل ایران پیشرفت نمود و متمرکز شد، هر چهارحوزه تحت نفوذ آن قرار گرفت.

قبل از این که ایران مدرنیزه و صنعتی شود، علی‌رغم کشاورزی و دامداری، ۹۰٪ تمام خوردوخوراک‌ها از طریق شکار به دست می‌آمد. گوشت شکار که از سلامت بالایی برخوردار بود توسط مردان تهیه می‌شد. گردآوری آذوقه اغلب توسط زنان انجام می‌شد، سهم شکارچی نیز از همه مواد غذایی داده می‌شد (فرایدل، ۱۹۹۱: ص ۲۰۰).

فرایدل قبلاً اشاره نموده بود که چوپانی، گردآوری گوشت شکار و سیستم کشاورزی در برخی از بخش‌های کشور وجود داشت که این موضوع باعث رقابت و غارت در بین قبیله‌ها می‌گردید. او توضیح می‌دهد که چگونه جنگ و تهاجم شرایطی را در زندگی ایجاد می‌کرد که زنان مجبور بودند با آن کنار بیایند. در جریان حمله و غارت روستا، زنان سیستم دفاعی ایجاد می‌کردند، سنگ پرتاب می‌کردند، فریاد می‌زدند، اسلحه در دست می‌گرفتند و هر از چند گاهی سارقان را می‌زدند؛ برخی داستان‌ها حکایت از این دارد که برخی از زنان گوسفندان را نیز به سرقت می‌بردند. رفتن به زمین‌های کشاورزی کاری خطرناک بود، زنان تنها در کوهستان چوپانی می‌کردند و شب‌هنگام سارقان گوسفندان را که خصمانه از روستاهای مجاور وارد حصار دفاعی می‌شدند را دستگیر می‌کردند، نبرد سخت سارقان و قتل آخرین خان در سال ۱۹۹۳ به پایان رسید. در سیستم دامداری، بعد مسافت و جابجایی در مهاجرت، مانع آشکار شدن داخل و اطراف کمپ می‌شد و آزادی زنان در داخل کمپ - تصویری که خود زنان به‌عنوان شاهد بیان کرده‌اند - موازنه‌ای بود که توسط جداسازی اجتماعی که ناشی از عملکرد منزوی، کار روزمره دوره‌ای مانند شیردوشی و پرورش پشم‌ریسی در کمپ بود. طبق گزارش فرایدل زنان خود به این نکته اذعان داشته‌اند که آزاد و تنها هستند اما آزادی آنان کمتر از مردان و تنهایی‌شان بیشتر از آنان است، کسانی که به مکان وابسته‌اند و عوامل موقتی و زودگذر، اغلب نامحدود است: مردان می‌توانند هر وقت می‌خواهند کمپ را ترک کنند، برای روزها و بلکه بیشتر، به هر علتی، درحالی که زنان نمی‌توانند (فرایدل، ۱۹۹۱: ص ۲۴).

محیط‌های چوپانی با ویژگی جداسازی کارگران زن به‌عنوان شیردوش و عمل‌آوری پشم شناخته می‌شدند که مازاد کالاهای قابل‌دسترس را به کالاهای باارزش تبدیل می‌کردند. (کره، پنیر، نمک) آنان کارهای سختی انجام می‌دادند درحالی‌که مردان فقط بر روند تقسیم و توزیع این کالاها نظارت داشتند. همچنین لوئیس بک (۱۹۷۸) بیان کرده است که در قبیله‌های دامدار، کار زنان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد خانواده و زندگی محسوب می‌شد؛ کارهای آنان شامل شیردوشی، تولید فرآورده‌های لبنی (ماست، کره، پنیر و روغن) آماده‌سازی حیوانات جهت مشتق‌گیری (پوست، مو و پشم) مراقبت از حیوانات، جمع‌آوری هیزم برای روشنایی، آب آوردن، جمع‌آوری گیاهان وحشی، پختن نان، آشپزی و مراقبت از کودکان، دوختن و نخ‌ریسی و رنگ کردن کاموا بود. زنان کالاها را آماده می‌کردند تا مردان آن را برای فروش به شهر ببرند؛ اما هیچ حقوقی در قبال کارهایشان به آنان پرداخت نمی‌شد. (بک، ۱۹۷۸: ص ۳۰۸). فرایدل شرح می‌دهد که عموماً در قبایل مسلمان و به‌ظاهر بومی و اسلامی، زنان در مقایسه با مردان حقی نداشتند و از آنان انتظار می‌رفت به‌قدر کافی شوهرانشان را در معیشت و امرارمعاش حمایت کنند. طبق آداب و رسوم، زنان ارث نمی‌بردند، مقام و منصبی نداشتند، حق حمل سلاح را نداشتند و از آنان انتظار داشتند که خدماتی را به مردان ارائه دهند که مسئولیت آن را دارند؛ به لحاظ قانونی یک زن هیچ حقی در تولیدات، اقتصاد و با محصولات تولیدی نداشت. در نتیجه زنان از نظر اقتصادی وابسته به مردان بودند. اگرچه تا حدودی تو از تی که زنان به‌عنوان یک گروه بزرگ به دست آوردند، نه‌تنها موقعیت مناسبی در گفتگو و بسیاری از مسائل دیگر در زندگی پرجمعیت روستایی پدید آورد، بلکه برخی موقعیت‌های مناسب ایجاد کرد که متقابلاً قدرت روابط مستقلی را با روابط گسترده فامیلی ایجاد نمود.

نتایج

کارهای کشاورزی یکی از مشاغل است که زنان در خصوص موقعیت اقتصادی در آن دخیل بودند پروانه متولد ۱۳۴۵ روستای داشلی قلعه است، او در خصوص کارهای کشاورزی در دوران پهلوی

این گونه می‌گوید: کشاورزی از عید شروع می‌شد و به کاشت گندم، جو، عدس و تریاک می‌پرداختند که حدوداً ۵ ماه از سال را درگیر بودند و بخشی از آن محصولات را صرف مصارف خانگی و بخشی را برای فروش می‌گذاشتند که منبع درآمد بود. هاجر متولد ۱۳۲۱ است او می‌گوید اقدام به کاشت گندم، جو، پنبه و خشخاش می‌کردند و بخشی را صرف مصارف خانگی می‌کردند و بخشی را نیز می‌فروختند که زنان در رأس کارها بوده و کمک به تغییر موقعیت اقتصادی و بهبود آن می‌کردند و فعالیت اقتصادی‌شان محدود به کشاورزی نبود و دامداری نیز از دیگر فعالیت‌هایی بود که زنان به آن می‌پرداختند. پروانه چنین بیان می‌کند گاو و گوسفند داشتیم از عید کار شروع می‌شد. او می‌گوید: شیرهای دریافتی را در همان ابتدای روز گرم می‌کردیم سپس مایه می‌زدیم تا تبدیل به ماست شود (قاتق)، ماست را داخل مشک می‌گذاشتیم پس به قدری تکان می‌دادیم تا ماست حسابی تجزیه شود و دوغ و کره آن را جدا می‌کردیم. ابتدا دوغ را خالی سپس کره را جدا می‌کردیم و دوغ به دست آورده را می‌جوشانیدیم و از آن محصولات متنوعی مثل ماست پوستی (دوراق) کشک یا (چرتان) قره قروت یا پنیر درست می‌کردیم" که این نیز به موقعیت اقتصادی خانواده کمک می‌کرد. چراکه در نبود گاو و گوسفند وعدم نگهداری آن‌ها باید هزینه خرید این مواد را متحمل می‌شدند و به صورت غیرمستقیم می‌توان بیان داشت که به اقتصاد خانواده‌ها کمک می‌کردند، در همین زمینه گل بنفشه محمدی متولد ۱۳۳۷ نیز می‌گوید بعد از جمع‌آوری شیر و تبدیل آن‌ها به کره و ماست، از پشم‌های گوسفندان نیز استفاده می‌کردند او می‌گوید بعد از دوشیدن گوسفندان معمولاً مردها پشم گوسفندان را با قیچی (هورینگ) می‌چیدند؛ و ما هم در تاباندن پشم و جمع‌آوری آن به مردها کمک می‌کردیم، بعد از اینکه جمع‌آوری و کار چیدن پشم‌ها تمام می‌شد آن‌ها را تمیز می‌شستیم سپس با وسیله مخصوص که در زمان عامیانه با آن (تشی) می‌گفتند می‌رسیدیم. تا تبدیل به نخ شود بعد نخ بافته شده را کاملاً جمع می‌کردیم و از آن پالاس یا همان فرش کردی، بند پشت یا کمر بند پشمی (ایلجک)، دستکش (پیتاو)، زانوبند، ساق‌بند بوجالی (جوراب نخی کلفت مخصوص زمستان) طناب برای بستن گاو، گوسفند و بار می‌ساختیم، همچنین لحاف و تشک درست می‌کردیم. بنفشه می‌گوید: "زنان دوشادوش مردان به کارهای مهم خانه می‌پرداختند و زمانی که مردان برای شخم زدن و کار کردن به بیابان می‌رفتند. زن‌ها علاوه بر بچه‌داری و تهیه غذای روز،

به حیوانات نیز علوفه می‌دادند، درواقع همه کارهای مربوط به یک خانواده توسط همه اعضای خانواده انجام می‌شد. هاجر نیز بیان می‌کرد: زنان در عرصه دامداری، نقش قابل توجهی داشتند و از شیر گوسفند و گاو به تهیه کشک و پنیر می‌پرداختند و بعضی از زنان برای چرای گوسفندان به بیابان می‌رفتند و حتی در بیابان برای چوپانان نان و غذا می‌پختند. هاجر برخلاف پروانه و گل بنفش در عرصه باغداری نیز فعالیت داشت. او می‌گوید "مردها می‌رفتند بالای درخت توت، ما هم زیر درخت چادر نگه می‌داشتیم تا توت‌هایی را که تکان می‌دادو می‌ریخت ما آن‌ها را جمع می‌کردیم می‌شستیم و تبدیل به شیره می‌کردیم بعد توت‌های زیر درخت، زردآلو و دیگر میوه‌ها را جمع می‌کردیم و روی پشت‌بام می‌گذاشتیم تا خشک شود. حتی گاهی شیره انگور درست می‌کردیم که به‌عنوان آذوقه زمستان استفاده می‌شد. همچنین وچین کردن علف‌های هرز با زن‌ها بود. مردانی که پولدار بودند از زنان دیگر برای کمک استفاده می‌کردند و درازای کمک به آن‌ها حقوق می‌دادند.

از صحبت‌های پروانه و بنفشه و هاجر می‌توان بیان داشت که آن‌ها دوشادوش مردان کار می‌کردند و حتی گاهی کارهای بیشتری نسبت به مردان انجام می‌دادند و کمک بسیاری به اقتصاد خانواده می‌کردند، ولی مزدی دریافت نمی‌کردند و اگر درآمدی نیز از طریق کارگری در زمین‌های دیگران به دست می‌آوردند آن را به مرد‌ها می‌دادند و یا صرف خرید وسایل خانه می‌کردند. زنان در روستا فعالیت‌هایشان تنها محدود به دامداری و کشاورزی نبود و به کارهایی دیگر از قبیل درست کردن مشک، کلاه، دستکش، کاموا و طناب می‌پرداختند. هر یک از فعالیت‌هایی که زنان در آن دوره به تنهایی انجام می‌دادند اینک به عنوان رسته‌ای جدا از منابع درآمد می‌باشد. تمام این فعالیت‌های بیان شده از عید شروع می‌شد و تا اواسط شهریور، طول می‌کشید و در دوره پاییز و زمستان نیز زنان فعالیت‌های دیگری را جهت کمک به اقتصاد خانواده انجام می‌دادند. در زمستان دارهای قالی را بر پا می‌کردند و جاجیم می‌بافتند. پروانه و بنفشه می‌گویند "برای بافتن جاجیم هم پشم گوسفند را بسیار ریز و نازک و با ظرافت خاصی می‌رسیدیم تا دقیقاً مثل پارچه می‌شد و بعد با آن جاجیم درست می‌کردیم قطر نخ جاجیم بسیار ظریف‌تر از نقشه قالی بود و نخ قالی کرک هم داشت و معمولاً در سال چند مرتبه قالی می‌بافتیم. یکبار بعد از اینکه گوسفندها را نزدیک فصل پاییز از بیابان می‌آوردند

و یک بار هم نزدیک عید نوروز، که هر بار بافتن قالی حدود ۲۵ روز طول می‌کشید. برای نوروز خانه را با این قالی‌ها فرش می‌کردیم و گاهی اوقات که نیاز به فرش کردن نبود، قالی‌ها را به شوهرانمان می‌دادیم و سوار اسب می‌شدند و می‌رفتند روستاهای دیگر می‌فروختند. «لذا می‌توان بیان داشت هنر زنان روستا و فعالیت‌های بی‌شماری که انجام می‌دادند نقش بسیار مؤثری در فعالیت‌های اقتصادی داشته و حتی می‌توان گفت زنان بیش از مردان در رأس فعالیت‌های اقتصادی قرار داشتند). بنفشه تنها وقت خود را صرف فعالیت‌هایی که در خانه اتفاق می‌افتاد نمی‌کرد و برای کارگری به خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی می‌رفت و درازای کار کردن پول دریافت می‌کرد، بنفشه می‌گوید: " زن‌ها همراه ارباب به کارهای بیابانی مثل کاشت و داشت و برداشت و چرای گوسفندان و علف دادن به آن‌ها می‌پرداختند و قرناق‌ها هم در کار دوشیدن شیر گوسفندان، پختن نان و شستن لباس‌ها به زن ارباب کمک و از این راه کسب درآمد و روزی می‌کردند»

هاجر می‌گوید: از دیگر مشاغلی که در دوره پهلوی زنان در راس انجام آن قرار داشتند ریسندگی بود. آنان پنبه‌ها را به چوب می‌کردند، نخ پنبه را می‌انداختند بیرون و پنبه‌ها را به نداف می‌دادند تا حلاجی کند. ما به پلته می‌کردیم و می‌شستیم. در زمستان تا ساعت ۹ شب نخ‌ها را جمع و ریسندگی می‌کردیم و در روزها می‌نشستیم این نخ‌ها را به جاجرم تبدیل و به چیت می‌کردیم. چیت‌ها را به لحاف می‌کردیم و به ۱۵ تا ۲۰ تومن می‌فروختیم. در هوای سرد برای خودمان شلوار ابریشمی درست می‌کردیم و هم چنین پارچه‌های پشمی و نخی را از پنبه و پشم بز و گوسفند تهیه می‌کردیم و برای چوپان‌ها هم شلوار درست می‌کردیم " زنان در دوران پهلوی فعالیت‌های شبانه‌روزی داشتند و مختص به فصل بهار و تابستان نبود و همان‌طور که هاجر نیز بیان کرد، لحاف درست می‌کردند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد خانواده کمک‌کننده بودند. در آن زمان با توجه به موقعیت اقتصادی افراد اقدام به درست کردن چاروق و چارقد می‌کردند. هاجر می‌گوید " با پنبه، حوله و چادرشب برای افراد معمولی می‌بافتیم ولی برای آدم‌های پولدار با ابریشم درست می‌کردیم. برای خود و خانواده‌هایمان با پشم روسری، جوراب، دستکش و رختخواب جاجیمی می‌بافتیم. پشم‌ها را می‌شستیم و رنگ می‌کردیم و نم‌مال می‌آمد پشم‌ها را نم‌دی می‌کرد هر که پولدارتر بود پشم بیشتری درست می‌کرد" و این موضوع نشان می‌دهد زنانی که با خانواده‌های

پولدار دررفت و آمد بودند می توانستند به درآمد بیشتری از نتایج حاصل از کارشان برسند و هر که کیفیت کاری بالایی داشته باشد، درآمد بالاتری می توانست نصیب خود کند. هاجر نیز به این موضوع اشاره و در ادامه بیان کرده: بعضی از زنها از پشم نخ میرسیدند آنها پارچه درست می کردند و می بردند می فروختند و با پولش دوباره نخ می گرفتند و چیزهای بیشتری درست می کردند و می فروختند و معمولاً نقش آنها در تأمین معیشت خانواده کم بود و در حد گذراندن اوضاع روزمره بود و در آن حدی نبود که بخواهیم ذخیره کنیم یا سرمایه گذاری کنیم و البته بعضی از زنها گوسفند و گوساله می خریدند و پروار می کردند و می فروختن و دوباره همین کار را ادامه می دادند. بیشتر نقش اقتصادی زنان به عنوان مکمل کار مردان بود مثلاً و جین کردن علفزار پختن غذا نگهداری از گاو و گوسفند ها در خانه درست کردن همه لبنیات و ذخایری که در زمستان لازم بود و در حال حاضر مردم آنها را می خرند " از صحبت های هاجر نیز می توان بیان داشت که زنان با توجه به شرایط محیطی و شغل همسرانشان، به درآمد بیشتر و کمتر دست می یافتند و آنجایی که بیان می کند درست کردن لبنیات در دست زنان بود و در حال حاضر مردم می خرند به درستی نقش اقتصادی زنان را نشان می دهد که شاید به ظاهر خیلی نقش پررنگی نداشتند چون درآمد و پول ها بیشتر در دست مردان بود، ولی با فراهم کردن زمینه محصولات خانگی، نیازی به صرف بخشی از درآمد به دریافت محصولات لبنی و خوراکی نبود.

در خصوص زن هایی که شوهر نداشتند و شوهرشان فوت می کرد نیز وضع به گونه ای دیگر بود، بیشتر زنان به کارگری در مزارع دیگران مشغول بودند و در این طریق مسئولیت اقتصاد خانواده به دوش آنها بود و زن هایی که توان کار کردن نداشتند نیز به گدایی روی می آورند و یا خانواده هایی که از وضعیت اقتصادی بالاتری برخوردار بودند به آنها کمک می کردند.

نتیجه گیری

زنان روستایی و زنان گروه های قومیتی از قبیل ترک، کرد و تات در فعالیتهای اقتصادی دوره پهلوی نقش مهمی داشتند. یکی از ویژگی های اقتصاد این دوران، اتکا به وجه تولید کشاورزی بود.

در این زمان گندم، جو، عدس، پنبه و تریاک از مهم‌ترین محصولات صادراتی روستاییان به شمار می‌رفت؛ و همچنین ریسندگی و ابریشم‌بافی در بین زنان روستایی مرسوم بود و از پشم گوسفندان و پنبه برای دوخت لباس‌های زنانه و مردانه و پیراهن، شلوار و روسری استفاده می‌کردند. در نتیجه با استفاده از پنبه و پشم پارچه‌هایی را که مورد استفاده اعضای خانواده قرار می‌گرفت می‌بافتند یا آن‌که برای تولید و مصرف سایر اعضای جامعه، می‌فروختند و کسب درآمد می‌کردند. همچنین بافت قالی و جاجیم از دیگر فعالیت‌های زنان بود که به اقتصاد خانواده کمک می‌کرد و در صورت نیاز از آن‌ها استفاده می‌کردند و در غیر این صورت آن‌ها را به بازار روانه و می‌فروختند و کسب درآمد می‌کردند. در کل نقش زنان روستایی در حیطة تولید مواد اولیه پارچه، کاشت پنبه، کشاورزی، دامداری، کارگری بود. زنان در کنار تمام فعالیت‌ها برای رفع نیازهای روزانه خانواده، بامهارتی که در تهیه لبنیات و نساجی داشتند، از منابع اصلی تأمین اقتصادی خانواده بودند. در تحقیق حاضر، زنان اقوام شمال خراسان در دوره پهلوی اول بر اساس موقعیت اقتصادی سنجیده شده است و از آنجایی که اقوام شمال خراسان بیشتر در روستاها فعالیت داشتند تحقیق حاضر نیز به زنان روستایی پرداخته است و زنانی که تحصیل کرده بودند و به مشاغل دولتی مشغول بودند را مورد بررسی قرار نداده است. لذا پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی به مقایسه جایگاه زنان روستایی و شهری در خصوص موقعیت اقتصادی‌شان مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. باریر، جولیا. (۱۹۷۱). توسعه اقتصادی در ایرا (۱۹۰۰-۱۹۷۰) در سال لندن: چاپ دانشگاه اکسفورد
۲. برادلی، هریث. (۱۹۹۶). تغییر ساختارهای اجتماعی: طبقات و جنسیت، چاپ استوارت هال، دیوید هلد، داون هربرت و کنث تامپسون؛ مدرنیته: معرفی جوامع مدرن (لندن: بلک ول)، ۸۴-۱۲۳.
۳. بک، لوئیس. (۱۹۷۸). زنان در میان قبایل دامدار قشقای در ایران، انتشارات لوئیس بک و نیکی کدی؛ زنان در جهان اسلام. (کمبریج: چاپ دانشگاه هاروارد)، ۷-۳۵۱

۴. پویا، اقبال. (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. تیر، نانسو. (۱۹۷۸). زنان زیردست در قبیله شاهسون در ایران؛ نشر لوئیس و نیکی کدی، زنان در جهان اسلام (کمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد)
۶. ریتر، رانا آر. (۱۹۷۵). به سوی انسان شناسی زنان (نیویورک: انتشارات مانثلی ری ویو)
۷. فریدل، اریکا. (۱۹۹۱). حوزه فعالیت و تحرک زنان روستایی در ایران. انتشارات نیکی و بٹ بارون؛ زنان در تاریخ خاورمیانه. (نیو هیون: انتشارات دانشگاه یل)، ۱۹-۲۱۴
۸. وبر، مارکس. (۱۹۶۴). فرضیه سازمان های اقتصادی و اجتماعی (لندن: مک میلان)
۹. هالیدی، فرد. (۱۹۷۹). ایران: دیکتاتوری و توسعه) هارموند ورث، انگلستان: پنگوئن.
۱۰. مصاحبه‌ها
۱۱. سلطان خاور پریز، فعالیت اقتصادی زنان ترک بجنورد، ام‌البین رحیمی، پاییز ۱۳۹۸، بجنورد.
۱۲. هاجر شیخ‌زاده، فعالیت اقتصادی زنان تات، ام‌البین رحیمی، پاییز ۱۳۹۸، روستای گرمه از توابع جاجرم.
۱۳. پروانه و گل بنفشه محمدی، فعالیت اقتصادی زنان کرد در روستای داشلی قلعه، ام‌البین رحیمی، پاییز ۱۳۹۸، بجنورد.